

وقایع نگاری داستان نویسی فقید از لحظه‌های انقلاب



داستان نویسن

با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نویسندگان بسیاری از آن حمایت کردند و به نوعی، زبانی یا قلمی یا با کنش‌های سیاسی و اجتماعی، با آن همراه شدند (صرف‌نظر از اینکه پیش از پیروزی هم فعالیتی در این زمینه کرده بودند یا نه). اما کسانی از آن گروه اهل قلم این واقعه را به روی کاغذ آوردند تا در تاریخ ثبت شود. نوشته‌های انقلابی که قالب کتاب به خود گرفت، اشکال گوناگونی، از مقاله تا داستان، را دربرمی‌گرفت اما کتاب‌های منتشرشده در این زمینه که مستقیم به انقلاب - چه کنش‌های منجر به آن و چه خود روزهای تأثیرگذار بهمن ۵۷- پرداخته بود، از دید کمی، در آغاز چنان که باید نبود، به عبارتی ادبیات انقلاب پیش از آنکه شکل بگیرد تغییر مسیر داد.

شاید مهم‌ترین علت این امر وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در زمانی بود که هنوز دو سال از پیروزی انقلاب نمی‌گذشت. تاریخ شتاب گرفته بود و توجه نویسندگان از رویدادی به رویداد دیگر چرخیده بود و تا سال‌های پس از پایان جنگ که دوباره ادبیات انقلاب مورد توجه قرار گرفت، حضور این آثار در ادبیات ایران کم‌رنگ بود.

درهرصورت، در فاصله دو واقعه، یکی از نویسندگان آن روزگار که چند کتاب نوشته و ترجمه کرده بود، کتاب ویژه‌ای منتشر کرد. محمود گل‌آبرده‌یی - که نام کاملش سیدمحمود قادری گل‌آبرده یی (۱۳۱۸-۱۳۹۱) بود - در سال ۱۳۵۸ کتاب «لحظه‌های انقلاب، را به چاپ رساند.

او در این اثر مشاهداتش از رویدادهای حوالی پیروزی انقلاب را تا بر سر کار آمدن دولت موقت روایت می‌کند. علت ویژه خواندن این اثر را باید در شکل و قالب آن جست‌وجو کرد. «لحظه‌های انقلاب، گزارشی مستند یا مستندگونه است که با زبان ادبی یک‌داستان نویس نوشته شده است. با توجه به داستان‌نویس بودن گل‌آبرده‌یی از سویی و کمبود امکانات فنی صوتی و تصویری تهیه‌گزارش در آن تاریخ، محتمل است که در جزئیات گزارش نویسنده دست‌کاری‌هایی شده باشد.

این تغییرات را با توجه به خیال‌ورزی و میل داستان‌نویسان به پرورش اثر و نیز ثبت و ضبط نشدن کامل مشاهدات و مکالمات و همچنین نگاه نویسنده به موضوعش، می‌توان طبیعی و بدیهی انگاشت. با این همه، نویسنده فقید روایت درخوراعتنایی از روزهای انقلاب به دست داده است که خواننده امروز را از در پیچه چشم و گوش او به چهل‌وچند سال پیش می‌برد و حتی چه‌پسا از لحاظ مستندنگاری نیز با اثر مهمی روبه‌رو می‌سازد (سنجش اهمیت استنادی کتاب به عهده متخصصان تاریخ معاصر است، اما در صحبت‌هایی که درباره مرحوم گل‌آبرده‌یی شده، اشاره به صداقت او درخور توجه است).

کتاب چندصدصفحه‌ای «لحظه‌های انقلاب، در سال‌های بعدنیز بازچاپ‌شد و در این باره می‌توان چاپ‌شکل و مرغوبی را نام‌برد که در دهه‌گذشته انتشارات عصر داستان روانه بازار کتاب کرد. برای آشنایی بیشتر با کتاب، بخشی از آن را در اینجا بخوانید: «مغازۀ دارها خون خونشان را می‌خورد. تک و توکی بسته‌اند. مجبوری بسته‌اند. باز هم می‌کردند. کسی از آن‌ها چیزی نمی‌خرد. مثل کتاب‌فروشی‌ها که گیر کرده‌اند و با غیظ به این کتاب‌فروش‌های کنار خیابانی بی‌سرقفلی وی دخل و بی‌میز و قفسه‌نگاه می‌کنند و جیکشان هم درنی‌آید. درحالی‌که از ته دل، آرزو می‌کنند که ای کاش همان پاسبان شکم‌کنده پررو بود و یک پنج تومانی کف دستش می‌گذاشتیم و با لگد، این سرخ‌رها را از جلوی مغازۀ ما رد می‌کرد…»



زین‌قدیر

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

🔴 **پیرو نکته‌روز گذشته، خواندن این دیدگاه‌از دکتر محمدرضا باطنی، به عنوان یک زبان‌شناس خالی از لطف نیست: «بعضی از کلمات زبان، بار عاطفی مثبت دارند، یعنی در شنونده عواطف و واکنش‌های مطلوب برمی‌انگیزد؛ بعضی دیگر بار عاطفی منفی دارند، یعنی شنیدن آن‌ها عواطف و واکنش‌های ناخوشایند برمی‌انگیزد؛ بعضی دیگر نیز خنثی هستند. البته همه کلمات زبان را نمی‌توان به‌سادگی در یکی از این سه طبقه قرار داد. از سوی دیگر، کلماتی نیز که بار عاطفی مثبت یا منفی دارند از نظر درجه انگیزش یا قدرت تحریکی یکسان نیستند، بعضی شدیدتر و بعضی ضعیف‌تر هستند. با این همه، می‌توان این طبقه‌بندی را اصولاً درباره کلمات زبان صادق دانست.»**

#زین‌قدیرپارسی

شماره



۱۰



فرهنگ و ادبیات

روزهای انقلاب در روستا

معرفی کتاب

«روزهای انقلاب» روایتگر واقعه‌ای است که نویسنده به‌صورت اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی در روزهای نزدیک به انقلاب سال ۵۷ در حالی که یکی از روستاهای شیراز را برای اقامت انتخاب کرده شاهد آن بوده‌است. هگلند به‌شکلی زنده‌و‌مستند شاهد تغییراتی بوده‌است که میان مردم یک‌روستا که افرادی عادی و معمولی محسوب می‌شدند به‌وقوع پیوسته است، مردم و به‌ویژه زنانی که به

گزارش مختصری درباره چگونگی شکل‌گیری شعر انقلاب اسلامی و روند تداوم آن تاکنون

فصل رستاخیز کلمات



«روزهای انقلاب» روایتگر واقعه‌ای است که نویسنده به‌صورت اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی در روزهای نزدیک به انقلاب سال ۵۷ در حالی که یکی از روستاهای شیراز را برای اقامت انتخاب کرده شاهد آن بوده‌است. هگلند به‌شکلی زنده‌و‌مستند شاهد تغییراتی بوده‌است که میان مردم یک‌روستا که افرادی عادی و معمولی محسوب می‌شدند به‌وقوع پیوسته است، مردم و به‌ویژه زنانی که به

- شعر انقلاب:از مشروطه تا قرن معاصر

پذیرش جمله ویکتور هوگو، تنها یک معنا دارد و آن این است که شعر انقلاب اسلامی، نیز جریانی ادبی است که در نتیجه پیروزی این انقلاب در سال ۱۳۵۷ به‌وجود آمده است. جریانی که در ایران چندان تازه نیست و می‌شود نشانه‌های آن را از دوره مشروطه مشاهده کرد و تداوم آن را در ادامه جریان‌های شعری معاصر به‌بعد دید. در واقع اگر بخواهیم این جریان شعری را بشناسیم، باید زمینه‌های ظهور و بروز، شکل‌گیری و رشد آن را بررسی کنیم؛ همچنان که وقتی جامعه‌شناسان و مورخان می‌خواهند انقلاب اسلامی» را بررسی کنند، ناچارند زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه انقلاب اسلامی را از سال‌ها و چه بسا قرن‌ها پیش از بهمن ۱۳۵۷ مدنظر قرار دهند.

پیروزی انقلاب مشروطیت و ادبیات ویژه شاعران مشروطه‌خواه که با خود عباراتی همچون مدنیت، اصلاحات و آزادی‌خواهی، آرمان‌خواهی و میهن‌دوستی، عدالت اجتماعی، استکبارستیزی و استعمارستیزی، تجددطلبی، نقد خرافات و احقاق حقوق زنان را به‌ارمانغان آورد، ظهور و بروز شعر نو در آثار شاعران مطرح معاصر همچون نیما یوشیج و اخوان ثالث و…، تداوم جریان شعر سنتی معاصر در آثار شاعرانی همچون شهریار، هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی و…، ظهور و رونق شعر مبارزه‌به‌همت شاعرانی همچون شفیعی کدکنی و سیاوش کسرای و… در دهه آخر حکومت رژیم‌شاه‌بوخی جریان‌های ادبی دیگر، اگرچه از نظر تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاسی و اجتماعی متفاوت بودند، در شکل‌گیری شعر انقلاب اسلامی نقش داشت.

- سرافاز یک تحول بزرگ

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و وقوع حادثه‌ای همچون جنگ تحمیلی که پس از آن رخ داد و شکل‌گیری حماسه دفاع مقدس ملت ایران، سرافاز تحولات عمده‌ای در ابعاد مختلف جامعه ایران شد و همان‌طور که می‌دانیم، هیچ رویداد فرهنگی نیست که در ارتباط با رویداد یا رویدادهای اجتماعی نباشد. ارتباط شعر معاصر با انقلاب اسلامی و حوادث پیش و پس از آن نیز ارتباطی تنگاتنگ و البته دوسویه است، یعنی همان‌طور که پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری جریان شعر انقلاب تأثیری مستقیم داشت، سال‌ها پیش‌ترین شاعران معاصر به‌ویژه شاعران مطرح سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ از پیشگامان مبارزه‌های مردمی علیه رژیم شاه بودند و بسیاری از آن‌ها وقوع انقلاب را در سروده‌های خود پیش‌بینی کرده بودند. به هر روی، جریان شعر انقلاب اسلامی پس از جریان‌های شعری مذکور شکل گرفت و اگرچه برخی شاخصه‌هایش را از جریان‌های پیشین به‌ارث برد و تنی چند از شاعران این جریان نوظهور، پیش از انقلاب اسلامی نیز به‌کار سرودن مشغول بودند، اما با ویژگی‌هایی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، «جریان شعر انقلاب اسلامی» هویتی منحصر به‌خویش یافت.

تبیین آرمان‌های انقلاب اسلامی با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران و رواج فرهنگ دفاع مقدس در میان مردم با وقوع جنگ تحمیلی از عواملی بودند که توانستند در قوام‌یافتن جریان شعر انقلاب اسلامی نقشی اساسی داشته باشند. بدین ترتیب، یکی از ویژگی‌های اصلی شعر انقلاب اسلامی، بازتاب همین آرمان‌ها و فرهنگ‌ها بود. از سوی دیگر، این محتوا، فرم ویژه خود را می‌طلبید و به‌همین سبب، لحن شعارگونه و گزارشی در بخشی از شعرهای سال‌های اول انقلاب

قالب شد. البته هرچه از سال پیروزی انقلاب اسلامی فاصله گرفتیم و شعر انقلاب اسلامی در پی هویتی مستقل رشد کرد، شاعران این جریان به‌جست‌وجوی افق‌های محتوایی دیگر و لحنی شاعرانه‌تر برآمدند.

به‌طور کلی و با یک بررسی اجمالی می‌توان گفت که شعر انقلاب اسلامی دو آیشخور ادبی اصلی دارد، نخست همان جریان شعری که در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در اوج بود و دوم جریان شعر سنتی معاصر. شعر انقلاب اسلامی زبان نمادین و محتوای مبارزه‌محور را از گروه نخست و نیز احیای قالب‌های سنتی و بهره‌گیری از برخی شاخصه‌های شعر سنتی فارسی را از گروه دوم به میراث برد. در مجموع می‌توان برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های سبکی شعر انقلاب اسلامی را این‌گونه برشمرد:

زبان شعاری و اعتقاد به رسانه‌بودن شعر، سادگی و همه‌فهم‌بودن زبان، نمادپردازی، رواج روحیه حماسی و

چهار قالب شعر نو، مثنوی، غزل و رباعی بود. تفاوت عمده‌ای که شعر انقلاب اسلامی با جریان‌های دیگر شعر معاصر داشت، این بود که در این جریان شعری، قالب‌های شعری سنتی و نو در کنار یکدیگر رواج داشتند و چند تن از شاعران این دوره هم در سرودن شعر نو و هم در سرودن غزل و رباعی از چهره‌های شاخص به‌شمار می‌آمدند. علی‌معلم دامغانی و احمد عزیزی با مثنوی هایشان، مهرداد اوستا و حمید سبزواری با کهن سروده هایشان در قالب‌های قصیده و غزل، نصرا… مردانی و مشفق کاشانی با غزل هایشان و شاعرانی همچون سلمان هراتی، قیصر امین‌پور، حسن حسینی، علی موسوی گرمارودی و… با سرودن در قالب‌های مختلف از چهره‌های شاخص شعر انقلاب اسلامی شدند. در این میان، به‌نظر می‌رسد نقش مهمی در شکل‌گیری نمودهای متفاوتی از شعر انقلاب اسلامی و احیای قالب کهنی همچون رباعی داشتند. به‌جز نام‌های یادشده، نام‌های دیگری در فرایند شعر انقلاب حائز اهمیت هستند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: محمود شاهرخی، طاهره صفارزاده، ساعد باقری، سهیل محمودی، یوسفعلی میرشکاک، علیرضا قزوه، عبدالحبار کاکایی، فاطمه راکعی، محمدرضا عبدالملکیان و…

در حوزه نظریه‌پردازی، بررسی، نقد و تحلیل شعر انقلاب نیز اگرچه تاکنون مطالب پراکنده زیادی در قالب یادداشت‌های مطبوعاتی، مقاله‌ها و احیاناً کتاب نوشته شده‌است، اما بی‌تردید جای پژوهش‌های عمیق ادبی همچنان خالی است. بسیاری از نقدها و نظرها، چه از سوی مدافعان این جریان و چه از سوی مخالفان آن، با غرض‌های غیبادبی و به‌نیت پاسخ‌گویی به‌طرف مقابل نوشته شده‌اند و در این میان، کم‌ترین حجم توجهات به سوی مباحث نقد ادبی، نظریه‌پردازی شعری، بررسی‌های سبکی، تحلیل‌های مبتنی بر روان‌کاوی ادبی و جامعه‌شناسی ادبیات و… در عرصه شعر انقلاب اسلامی بوده و تقریباً می‌توان گفت کار مهمی در این حوزه‌های پژوهشی انجام نشده است و با توجه به گذشت حدود چهار دهه از شکل‌گیری این جریان شعری، خلأ این‌گونه مباحث همچنان به چشم می‌آید.

- نیم قرن شعر انقلاب اسلامی

در میان کتاب‌هایی که پیرامون شعر انقلاب اسلامی نوشته شده‌اند، کتاب «ده شاعر انقلاب» نوشته محمدکاظم کاظمی، یکی از معدود نوشته‌هایی است که به‌دور از غرض‌های غیرشعری، با توجه به معیارهای ادبی و در روزگاری که جریان شعر انقلاب اسلامی ثبات و دوام و قوام یافته، تدوین شده است. کاظمی که خود از شاعران و منتقدان ادبی در دوره شعر انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید، در پایان این کتاب و پس از طرح این نکته که «شعر جوانان این روزگار در قیاس با شعر شاعران پیش‌کسوت انقلاب اسلامی در حال پیشرفت و جهش بوده است»، به‌نقش شاعران پیش‌کسوت در کشف و تربیت جوان‌نرها اشاره کرده و ضمن حق‌گزاری و سپاس‌داری از این شاعران، خاطرنشان کرده است: «باشد که روزی به هم نسلان من توفیقی دست دهد تا به گزارشی تاریخی از فعالیت‌های ادبی این نسل، حق مطلب را در آن زمینه‌نیز ادا کند.» به‌نظر می‌رسد اکنون در آستانه دهه پنجم انقلاب اسلامی هستیم، شاید بهترین فرصت برای بررسی نیم قرن شعر انقلاب اسلامی و بررسی همه‌جانبه و موشکافانه آن است.

مقاومت، بیان مفاهیم معنوی و عرفانی، کاربرد تلمیحات و اشارات و اساطیر ملی و دینی و… درباره مضامین شعر انقلاب اسلامی نیز اگرچه سخن بسیار می‌توان گفت، اما بهتر است به سخن دکتر محمدرضا روزبه اشاره کنیم که در کتاب «ادبیات معاصر ایران»، عمده‌ترین مضامین و محتواهای شعری شاعران انقلاب را این‌گونه برشمرده است: «روایت و حکایت اوضاع دوران ستم‌شاهی، بیان و بزرگداشت مبارزات و پایداری‌های مردمی در آن دوران، ستایش رهبر[انقلاب] و دیگر شخصیت‌های[مؤثر در] انقلاب، دعوت به بیداری و هوشیاری در برابر دسیسه‌های دشمنان، ستایش شهادت و شهیدان، ستایش دل‌آوری‌ها و ایثارگری‌های رزمندگان جبهه‌ها، دعوت به‌فرهنگ جهاد و شهادت، خودشنکی(احساس حسرت رها بر[انقلاب] و دیگر شخصیت‌های[مؤثر در] انقلاب، حومان در برابر شهیدان)، وطن‌دوستی یا صبهغه‌ای دینی و انقلابی، ستایش اهل بیت^(ع) و پاسداشت فرهنگ عاشورا، هم‌دردی و هم‌صدایی با نهضت‌های آزادی‌خواه جهان، اعتراض به‌مظاهر ضدارزشی، گریز از زندگی خشک شهری و دعوت به پاک‌ی و اصالت زندگی روستایی و…»

- شعر نو، مثنوی، غزل و رباعی

پراک‌بردترین قالب‌ها در میان شاعران این جریان نیز

درباره‌نخستین شاعر شعرهای انقلابی مشهد

نغمه‌های «قدسی» انقلاب

«روزهای انقلاب» روایتگر واقعه‌ای است که نویسنده به‌صورت اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی در روزهای نزدیک به انقلاب سال ۵۷ در حالی که یکی از روستاهای شیراز را برای اقامت انتخاب کرده شاهد آن بوده‌است. هگلند به‌شکلی زنده‌و‌مستند شاهد تغییراتی بوده‌است که میان مردم یک‌روستا که افرادی عادی و معمولی محسوب می‌شدند به‌وقوع پیوسته است، مردم و به‌ویژه زنانی که به

هم‌بودند که نه تأثیری می‌گذاشتند و نه تأثی داشتند. کسی هم جدی‌شان نمی‌گرفت. چهره‌های تأثیرگذار، ذهن‌های منعطفی داشتند. این چهره‌ها کم‌وبیش فراموش شده‌اند. محدثی خراسانی نیز در خاطراتش، توصیف استاد قدسی را از زبان پدرش این‌طور بازگو می‌کند: «حماسه‌سازان این مردم کسانی هستند که مثل قدسی در زندان به‌سر می‌برند.» محدثی خراسانی در این باره می‌گوید: «بسیاری از شاعران آن زمان خراسان عضو جریان روشن‌فکری مسلمان بودند، اما بعضی روحیه‌حماسی داشتند و عقیده خودشان را فریاد می‌زدند. پدرم قدسی از آن دسته بودند. ولی بی‌پروا تر و پرشور تر از همان‌ها غلامرضا قدسی بود.» شعر «بوی گل‌های چیده می‌آید خوم از دل به‌دیده می‌آید به‌تماشای غنچه‌های شهید گل به‌رنگ پریده می‌آید از غم داغ گل‌رخان از خاک لاله درخون تپیده می‌آید ناله‌های شراره‌خیز به گوش ز آهوان رسیده می‌آید موه به این محیط طوفان زاست عکس شریعتی را پنهان کرده بودند که اصطکاک می‌آید از پی هر شکست پیروزی است از دل شب سپیده می‌آید بیت نغزی به‌خاطرم قدسی ز استاد ی گزیده می‌آید در عدم هم ز عشق بویی هست گل‌گریبان ریده می‌آید.»



گروه فرهنگ و ادبیات امرحوم غلامرضا قدسی را می‌توان نخستین شاعر انقلابی مشهد معرفی کرد. فعالیت‌های سیاسی و مبارزات مرحوم قدسی که از زمان مصدق آغاز شده بود، همچنان در دوران مبارزات مردمی به‌رهبری امام خمینی «نیز ادامه داشت. او یک‌بار در سال ۱۳۴۲ دستگیر و زندانی شد، اما پس از تحمل یک‌سال اسارت، با شور بیش‌تری به مبارزات خود ادامه داد. بخش زیادی از نوشته‌ها و اشعار این شاعر در همین دوران از بین می‌رود، اما بعدها چند دفتر شعر نیز در دور دوم زندانی شدنش (اوایل دهه۵۰) می‌سراید که به دست مأموران رژیم پهلوی ضبط می‌شود و هرگز به‌ابواب گردانده نمی‌شود. قدسی در بیتی این موضوع را چنین بیان می‌کند: بسا مضمون رنگینی که پروردم به خون دل/ استمگر کرد پرپر همچو گل اوراق دیوانم قیامی، نویسنده و پژوهشگر، درباره غلامرضا قدسی می‌گوید: جدقدسی (قدسی مشهدی) از شاعران سبک‌هندی بود که دیوانش را قهرمان تصحیح و چاپ کرد. خود قدسی همیشه می‌گفت: «باید بروم کابل و نسخه دیوان جدم را پیدا کنم و تصحیح کنم.» مدتی زندان بود و شنیدم به‌دلیل نماز خواندنش در زندان، شکنجه هم‌شده بود. در مراسم تعزیت محمدتقی شریعتی دم در ایستاده بود. برخی از طرفداران شریعتی، به‌دلایلی عکس شریعتی را پنهان کرده بودند که اصطکاک می‌آید مخالفان شریعتی پیدا نکنند. قدسی رنجیده بود و می‌گفت: «این کارها چیست که می‌کنید؟ عکس را بگذارید سر جایش!» بعد از انقلاب، مدیر اداره ارشاد شده بود. اوایل چون عربی بلد بود، در دانشکده ادبیات، عربی تدریس می‌کرد. شعرش در سبک هندی بود، ولی صاحبکار شاعرتر از او بود. یک‌سری پیش‌کسوت